



نمی‌توانست کارهای روزمره را به‌تنهایی انجام دهد. همسرش تنها راه ارتباط با او بود، اما از اسفندماه به‌بعد که خانواده علیرضا تصمیم گرفتند او و همسرش را از هم جدا کنند، دیگر خبری از وضعیت او در دسترس نیست. «زندگی‌مان خراب شد، آشیانه‌ای که داشتیم، خراب شد.» همسر جوان علیرضا این را از پشت تلفن می‌گوید که خودش در زهک است و همسرش زابل، در خانه خواهرانش. بیماری علیرضا منجر به اختلافات خانوادگی شد و حالا همسر او تعریف می‌کند: «همسر را برده‌اند، طلاق نگرفته‌ایم ولی ما را از هم جدا کرده‌اند. همسرمدام می‌آید تا دم خانه تا من را ببیند، اما باز هم خانواده‌اش او را با خود می‌برند. تا اسفندماه که خانه خودمان بود، حالش بهتر شده بود، اما حالا شنیده‌ام که او را هرازگاهی در بیمارستان روانپزشکی بستری می‌کنند.»

علیرضا تا اسفندماه وضعیت بهتری نسبت به روزهای بعد از انفجار داشت و می‌توانست کارهای شخصی‌اش را خودش انجام دهد، به‌تنهایی از سرویس بهداشتی و حمام استفاده کند و لباس پوشیدن‌اش درست شده بود: «دیگر قاطی لباس نمی‌پوشید. به او می‌گفتم اگر می‌خواهی، می‌توانی به‌تنهایی به خانه پدری‌ات بروی اما پسرم را برای مراقبت پشت‌سرش می‌فرستادم. راه را گم نمی‌کرد، بهتر شده بود، اما حالا از دیگران شنیده‌ام که او را می‌برند به بیمارستان روانپزشکی. شنیده‌ام قرار است برای او گواهی زوال عقل بگیرند که پدرش قیم او شود. حتی اجازه صحبت کردن هم با هم نداریم. روزی ۱۰۰ بار زنگ می‌زند اما اجازه نمی‌دهند که با من صحبت کند. از مشهد و یزد برایش دارو می‌گرفتم، ولی الان خبری از او ندارم.»

همسرش تعریف می‌کند که علیرضا مثل بچه بود اما کاری نمی‌کرد که اذیت کند: «وضعیت حافظه‌اش ۵۰-۵۰۰ شده بود. حافظه کوتاه‌مدت‌اش کمی بهتر شده بود. سه ماه اول بعد از حادثه، برایش ماهیانه ۱۰ میلیون تومان و بعد از آن ماهیانه ۱۵ میلیون تومان واریز کردند و شب عید هم ۱۰ میلیون تومان دیگر بابت عیدی پرداخت کردند اما از دیه او خبری نشده است، اگر خبری بود تماس می‌گرفتند.» او هم خبر حکم متهمان پرونده را شنیده است و می‌گوید، در این خبرها از ۵۳ نفری که فوت شده بودند، نام بردند اما از مصدومان چیزی نگفتند.

آذرمه مستولان معدن هم عیادت علیرضا آمده بودند و یکی از آنها به همسرش گفته بود که هر چه لازم بود به ما خبر دهید، ما برای مصدومان کوتاهی نمی‌کنیم: «تا اسفند او را ماه‌به‌ماه به دکتر می‌بردم، برای حافظه‌اش هم به دکتر گفتم تا هروقت لازم است، برایش دارو تجویز کنید. اگر الان بود، دارو و درمان‌هایش حتماً تغییر کرده بود.»

▼ دیگر به معدن بر نمی‌گردم

مجتبی حسین‌پور، کارگر بخش ایمنی معدن هم هنوز نتیجه‌ای از شکایت خودش نگرفته است. او بعد از انفجار در معدن، بیهوش شده بود و سه تا چهار ماه تحت درمان بود و بعد از آن، دیگر به معدن برنگشت. بعد از این حادثه خانواده او با کار دوباره در معدن مخالفت کردند و حالا مجتبی زندگی را با بیمه بیکاری می‌گذرانند. کارفرمایان معدنچو به مصدومانی که مرخصی استعلاجی‌شان تمام شده بود، گفته بودند یا باید به کار برگردید یا باید بیمه بیکاری بگیرید.

او تعریف می‌کند که فعلاً از نظر جسمی مشکلی ندارد، اما نتیجه دو سال کار در معدن و استنشاق گاز بعد از انفجار معدن، هنوز هم در ریه‌هایش باقی مانده است. در مدتی که تحت درمان بود، حقوق داشت و اوایل دوره درمان حدود ۷۰ میلیون تومان به او پرداخت شده بود. او شنیده بود که قرار است به چهار تا پنج نفر از مصدومان خانه‌ای تعلق گیرد و به باقی آنها، کمکی کنند یا زمینی بدهند اما خبری نشده است. «دیگر نمی‌خواهم به معدن برگردم. خاصیت معدن این است که ریه‌ها را نابود می‌کند و بعد از آن حادثه هم بدتر شده است. ریه که دیگر بر نمی‌گردد، همه کارگرا همین مشکل را دارند. تست ریه که انجام می‌دهیم، می‌گویند ریه‌هایتان آسیب دیده است.»

حسن قلی‌نژاد، کارگر مصدوم دیگر هم هنوز نتیجه‌ای از شکایت نگرفته است؛ او که ریه‌هایش بعد از انفجار درگیر شد و هنوز میزان دیه‌اش مشخص نشده است، حدود دو ماه بیکار بود و حالا مشغول نگهبانی است. درمان ریه‌هایش یک‌ماه زمان برد و هنوز تنگی تنفس در ریه‌هایش مانده است: «وقتی کار می‌کنم و فشار زیادی به بدنم وارد می‌شود، نیمی از بدنم بی‌حس می‌شود.» او هم بعد از انفجار دیگر به معدن برنگشت. حسن ۲۶ ساله با دو فرزند خود، ساکن بیرجند است و ۱۰ سال سابقه کار در معدن دارد. انتظار که پزشکی قانونی به او اعلام کرده، باید نتیجه آخرین معاینه در شهر یورماه هم مشخص شود و بعد از آن روال قانونی پرونده و نظر نهایی پرونده، اعلام شود. حسن بعد از بستری‌شدن در بیمارستان، علاوه بر هزینه‌های درمانی، خسارتی از بیمه دریافت کرده است: «از وقتی هم شکایت کردم، گفتند شما شکایت کردی و انگار ما را کنار زدند.» مسئولان معدن تا ماه آبان و زمانی که درمان‌اش در جریان بود، وضعیت او را پیگیری می‌کردند و تا امروز با وجود گذشت یک‌سال، هنوز جلسه رسیدگی به شکایت او برگزار نشده است.

پرونده شکایات محمد «ب» هم هنوز به نتیجه نرسیده است و از روند آن، خبری ندارد. او ساکن دهستان خوسف بیرجند است و در بلوک «بی» و واحد تعمیرات معدن طیس کار می‌کرد. محمد بعد از حادثه، مدت کوتاهی به معدن برگشت، اما به‌دلیل حقوق پایین و نداشتن روحیه کار دوباره در معدن، تصمیم گرفت برای همیشه آن را رها کند.

در روزهای اول حادثه ۷۵ میلیون تومان هزینه درمان و سه حقوق ۱۰ میلیون تومانی به او پرداخت شد. کمیسیون پزشکی تأمین اجتماعی به او گفته بود دیگر نمی‌تواند استعلاجی او را پس از پایان درمان تأیید کند. پرونده شکایت او هم مشروط به پیگیری پزشکی قانونی است و باید نامه‌ای به دادگاه ارسال و میزان مصدومیت‌اش مشخص شود. میزان دیه او - اگر تعلق بگیرد - با نامه پزشکی قانونی روشن می‌شود. محمد هم به‌دلیل یک وام اشتغال پرداخت نشده، حتی نتوانست از بیمه بیکاری استفاده کند. او مدتی بعد از حادثه، به‌کار در استنپ مشغول شد اما باز هم نتوانست ادامه دهد. این بار ماجرای یک سوء‌پیشینه قدیمی بود که مانع از ادامه کار او شد. کار در معدن و انفجار آن برایش شش درصد درگیری ریه و مشکل اعصاب و روان به‌جا گذاشته و هنوز هم داروهایی برای سردردهای شدیدش استفاده می‌کند؛ یک یادکاری دردناک از معدنچوی طیس.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه‌قضائیه در نشست خبری ۲۹ مردادماه درباره آخرین وضعیت پرونده کارگران معدن طیس گفته بود: «در این پرونده پنج متهم در دادگاه بدوی محکوم شدند. براساس رأی صادره، یکی از متهمان به پرداخت معادل ۲۰ درصد دیه کامل در حق اولیای‌دم محکوم شد و هر پنج متهم نیز از جنبه عمومی جرم به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شدند. باین‌حال دادگاه در جریان رسیدگی، همکاری متهمان، جبران خسارت‌های وارده، پیش‌بینی اصلاح مرتکبان، همچنین فقدان سابقه کیفری آنان را مورد توجه قرار داد.» به گفته جهانگیر، متهمان اقداماتی ازجمله ارتقای ایمنی معدن، رسیدگی به وضعیت خانواده متوفیان، پیگیری شرایط کارگران معدن، همچنین پرداخت کامل دیه از محل پوشش بیمه به خانواده‌ها را انجام دادند. علاوه بر این، مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان هم مازاد بر دیه به هریک از خانواده‌های متوفیان پرداخت شد و برنامه‌های دیگری برای کاهش آلام این خانواده‌ها در دستور کار متهمان قرار گرفت: «درنهایت دادگاه با لحاظ اقدامات اصلاحی، برای چهار نفر از متهمان قرار تعلیق مراقبتی اجرای حکم به مدت دو سال در نظر گرفت و حبس متهم پنجم نیز به‌مدت پنج سال به‌طور کامل معلق شد. این

دادنامه با اعتراض مواجه شده و هم‌اکنون در مرحله تجدیدنظر قرار دارد که رأی نهایی آن به زودی صادر خواهد شد.»

بعد از وقوع این حادثه، دولت به خانواده جانباختگان معدن و تعدادی از مصدومان آن، یک واحد مسکونی اختصاص داد و قرار شد ۵۰ درصد هزینه تأمین مسکن بازماندگان معدن طیس، توسط دولت پرداخت شود و اقساط ماهانه این واحدها از سال سوم تحویل مسکن آغاز و به‌شکل پلکانی و ۲۰ ساله از آنان دریافت شود.

همان زمان وزیر کار از اختصاص یک‌میلیارد تومان به خانواده‌های جانباختگان حادثه معدن طیس خبر داد و اعلام کرد، هرکدام از این افراد، ۲۰۰ میلیون تومان بیمه مسئولیت داشتند که یک‌میلیارد تومان به آن‌ها اختصاص داده شده است. بنا بر تصمیم شرکت معدنچو طیس، ۲۰۰ میلیون تومان برای مساعدت به خانواده جان‌باختگان و ۵۰ میلیون تومان برای خانواده مصدومان در نظر گرفته شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس فروردین‌ماه امسال گزارشی به‌نام «بررسی حوادث ناشی از کار و حقوق اجتماعی کارگران معادن (با تمرکز بر حادثه معدن طیس)» منتشر کرد که در بخشی از آن، از حوادث متعدد کار در معادن در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۳ و نرخ افزایشی آن به‌نسبت سال‌های پیش از آن و افزایش قابل‌توجه تعداد جان‌باختگان گفته شده بود.

در بخشی از این گزارش نوشته شده بود: «تجمع یا تصاعد آنی گاز متان که درنتیجه عدم‌تهویه مناسب یا برخورد به خضره گازی در حین استخراج حاصل شده، زمینه‌ساز وقوع انفجار شده است. در اثر ایجاد جرقه (که هنوز منشأ آن مشخص نیست) مثلاً انفجار کامل شده، انفجار صورت می‌گیرد و کارگاه هم تخریب می‌شود. در لحظه انفجار گاز متان، به‌دلیل افزایش دمای حاصل از انفجار و وجود گرد زغال، انفجار گرد زغال نیز صورت‌گرفته که باعث نشر مقدار زیادی گاز منوکسیدکربن شده و منجر به مسمومیت شدید و درنهایت فوت برخی از کارگران شاغل در معدن می‌شود. درنتیجه انفجار بلوک «سی» و نشت گاز منوکسیدکربن توسط فن‌ها به بلوک «بی»، ۲۹ کارگر شاغل در تونل «بی» و ۲۰ کارگر شاغل در بلوک «سی» فوت می‌کنند. با اضافه‌شدن سه نفر از ۱۷ مصدوم این حادثه به فوتی‌ها، تعداد کل فوت‌شدگان این حادثه به ۵۲ نفر می‌رسد. بررسی‌ها حاکی از این است که مهم‌ترین عوامل ایجاد حادثه شامل فقدان سیستم مانیتورینگ و گازسنجی خودکار در معدن، فقدان نظارت بر نقشه‌های تهویه معدن، عدم انجام عملیات گاززدایی پیش از استخراج معدن معدنچو، ناکارآمدی ساختاری بازرسی از معدن، عدم‌توجه به حوادث مشابه و هشدار کارگران، حذف دفتر نظارت بر معادن وزارت صمت و صلاحیت‌سنجی دقیق برای اعطای پروانه بهره‌برداری معدن هستند.» کارگرانی که هنوز هم در معدن مشغول به‌کارند می‌گویند، افزایش حقوق امسال آنها مربوط به پاداشی است که دیگر به ای هر چندماه یک‌بار، ماهیانه برایشان واریز می‌شود. آقای «الف» یکی از کارگران واحد استخراج معدن است و می‌گوید تا امروز هر سه بلوک «ای»، «بی» و «سی» معدن معدنچوی طیس به دستگاه‌های تهویه هوا مجهز شده‌اند، واحد ایمنی کار خود را سختگیرانه‌تر انجام می‌دهد و خوندجات‌ها به‌روز شده است، اما هنوز همه حقوق مسئله اصلی کارگران است؛ او با ۹ سال سابقه کاری در واحد استخراج، ۲۸ میلیون تومان دریافتی دارد. کمترین حقوق برای یک کارگر تازه‌کار در این معدن ۲۲ میلیون تومان است.

ابراهیم رحیمیان، دبیر اجرایی خانه کارگر طیس می‌گوید، پیگیری‌های او بعد از انفجار معدن معدنچوی طیس نشان می‌دهد که ایمنی معدن پیشرفت داشته است؛ هم از نظر تجهیزات ایمنی و هم استانداردهای ورود نیروی کار: «ایمنی سطوح مختلفی دارد و رسیدن به استانداردهای بالاتر نیازمند صرف هزینه است. ایمن‌ترین شرکت در طیس، مجموعه شرکت‌های زغال‌سنگ پرورده است و به‌واسطه تجهیزات ایمنی خود، یک ماه پیش توانست از وقوع حادثه‌ای مشابه جلوگیری کند. مدیرعامل معدن معدنچو به ما به‌عنوان یک تشکل کارگری قول داده است که اگر شرایط و هزینه‌ها اجازه دهد، در سالگرد حادثه معدنچو این شرکت را به سیستم مانیتورینگ مجهز می‌کنیم. اگر این تصمیم انجام شود، کار بزرگی است. حقوق‌های پرداختی این شرکت کمی از رقم ۱۶ میلیون تومانی قانون کار بالاتر است و اقدامات حمایتی خوبی برای ما انجام داده است.» او می‌گوید، مدیریت معدنچوی طیس بعد از حادثه در بلوک «سی» دستگاه‌های تهویه نصب کرده است و برای استقرار آن یک تیم کارشناسی از اسپانیا آمد و در شرکت مستقر شد: «علاوه بر این چند سنسور نشان‌دهنده گاز متان هم قرار است از کشور آلمان وارد شود؛ درمجموع اقدامات خوبی برای ایمنی انجام شده است. معدنکاری زیرزمینی به‌خصوص زغال‌سنگ از همه انواع کار در معدن سخت‌تر است و به همین دلیل نیاز است که مسئولان واحد ایمنی، سختگیری بیشتری هم نسبت به رعایت اقدامات ایمنی داشته باشند.»

خبرسازان



سقوط ایران در رتبه‌بندی علمی دانشگاه‌های جهان

در تازه‌ترین رتبه‌بندی علمی دانشگاه‌های جهان، عربستان توانسته با داشتن ۱۳ دانشگاه در فهرست هزار دانشگاه برتر، از ایران پیشی بگیرد. این درحالی است که ایران فقط ۶ دانشگاه در میان هزار دانشگاه برتر جهان دارد. کارن ابری‌نیا، استاد دانشگاه تهران و دبیر کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران، در گفت‌وگو با خبرنگاران دراین‌باره گفت: «وقتی تصمیم‌گیری‌های علمی از دانشگاه‌ها سلب می‌شود، کیفیت هیئت‌علمی تضعیف و ظرفیت‌های علمی کشور به هدر می‌رود.» او در توضیح بیشتر این موضوع گفت: «یکی از همکاران ما در رشته خودم به عربستان مهاجرت کرد، البته او نمی‌خواست از دانشگاه برود بلکه بیرونش کردند و اکنون رئیس دانشکده‌ای در آنجاست. او الان حقوق بالایی حدود ۱۲ هزار دلار دارد و بودجه پژوهشی یک‌میلیون دلاری برای تجهیز آزمایشگاه دریافت کرده است. چنین شرایطی در ایران وجود ندارد و بسیاری از نخبگان به‌دلیل مشکلات معیشتی و نبود امکانات، مجبور به ترک کشور شده‌اند، مقاصد این مهاجرت‌ها هم شامل کشورهای همسایه‌مانند عربستان، قطر، عمان و حتی ترکیه است.»



تشکیل ۴۱ هزار و ۱۱۳ پرونده تعزیراتی در ۵ ماه

معاون برنامه‌ریزی و نظارت سازمان تعزیرات حکومتی از رسیدگی به ۴۱ هزار و ۱۱۳ پرونده مرتبط با کالاهای اساسی، در پنج‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ خبر داد. به گزارش ایسنا، محمدحسن سربایان درباره عملکرد آماری سازمان تعزیرات حکومتی از ابتدای سال تا ۲۵ مردادماه گفت: «در این مدت ۴۱ هزار و ۱۱۳ پرونده مرتبط با کالاهای اساسی نظیر نان، برنج، قند، شکر، گوشت قرمز، گوشت سفید، تخم‌مرغ و روغن مورد رسیدگی قرار گرفته و برای متخلفان، در مجموع ۱۱ هزار ۲۱۱ میلیارد ریال محکومیت مالی صادر شده است.» به گفته او، در حوزه قاچاق کالاهای اساسی، تعداد ۶۶۴ پرونده بررسی شده که منجر به صدور محکومیت‌هایی به ارزش دو هزار و ۲۶۱ میلیارد ریال شده است.



افزایش خطر فرونشست زمین در جنوب غربی تهران

سختگوی شهرداری تهران درباره افت مستمر سطح آب‌های زیرزمینی هشدار داد و گفت: «تداوم این روند، پیامدهایی ازجمله فرونشست گسترده و از مدار خارج‌شدن بخشی از منابع آبی را به‌دنبال داشته است.» به گزارش ایلنا، عبدالمطهر محمدخانی اعلام کرد، مطالعات نشان می‌دهد که آثار فرونشست در همه مناطق یکسان نیست و بیشترین شدت در محدوده جنوب‌غربی تهران به‌دلیل شرایط زمین‌شناسی و برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی مشاهده می‌شود. به گفته او، براساس آمار وزارت نیرو در استان تهران، حدود ۲۷ درصد برداشت آبخوان به کشاورزی و ۸/۸ درصد به آبیاری فضای سبز اختصاص دارد و بیش شرب شهری ۴۴/۳ درصد و شرب روستایی ۳/۱ درصد سهم دارند. سختگوی شهرداری تهران بایان اینکه نیاز سالانه فضای سبز شهر تهران ۱۸۵ میلیون مترمکعب است، گفت: به‌علت کاهش آبدهی چاه‌ها، با کسری ۲۰ میلیون مترمکعبی مواجه‌ایم که این امر نتیجه حفر ۱۰۰ حلقه چاه عمیق در سال‌های اخیر، توسط سازمان آب و محدودیت منابع آبی است.